

ساعتی با ۳ پاکبان منطقه ۳ که این روزها در دمای ۵۰ درجه، شهر نجف را جارو می‌زنند

مشهد برای حسین^(ع)

۳

راه تجربه



رضایحی^(ع) پیش از آنکه اولین حرکت جارو، روی سنگ فرش های خنک بامداد کشیده شود. آقا رضا، آقا غلامرضا و عمو کاظم رو به گنبد طلایی امیرالمؤمنین^(ع) می ایستند. آن هانه برای شروع یک شیفت کاری، که برای خواندن «اذن خدمت» ایستاده اند و از خدا تشکر می کنند که به آن ها این توفیق را عطا کرده است که در شهر امیرالمؤمنین^(ع) به زائران ابا عبا...^(ع) خدمت کنند. آن ها از ساعت ۵ صبح شروع به کار می کنند اما آفتاب نجف که بالاتر می آید، کار سخت تر می شود.

گرمای ۵۰ درجه نجف، آسفالت زیر پای مردم را نرم می کند. خودش را آرام آرام روی صورت ها و لباس ها می اندازد و رفت و آمد زائران هم لحظه به لحظه بیشتر می شود. چشم به هم که می گذاری، کیسه های زباله پرمی شوند و دوباره باید جمع شوند. اینجا رضا قدیمی و غلامرضا ابراهیمی و کاظم غلامی در کنار ۲۶ پاکبانی که همگی پاکبان های منطقه ۳ هستند، خستگی ناپذیر کار می کنند بدون آنکه آثار خستگی در صورت آن ها نمایان باشد. حرف دل همه آن ها یکی است. کاش این روزها تمام نشود.

● اولین حضور با کاروان خدام الحسین^(ع)

هرچه به سمت ظهر نجف می رویم، هوا گرم تر و گرم تر می شود. واقعا کار در این شرایط دشوار است. حجم زباله ها بسیار زیاد است و اگر کوچک ترین کم کاری از سوی پاکبانان صورت گیرد، محل خدمت آن ها را زباله برمی دارد. برای همین است که کاظم غلامی معروف به «عمو کاظم» یک لحظه هم دست از کار برنمی دارد، حتی وقتی که در حال صحبت با ما است. عمو کاظم بار سوم است که در مراسم اربعین حضور دارد اما اولین باری است که با کاروان خدام الحسین^(ع) همراه شده است. وقتی از عمو کاظم درباره دعایش در حرم می پرسیم، می گوید: حتی یک دعا مربوط به امور مادی نداشته ام.

همه دعاهايش در حرم مطهر به آرزوی ظهور امام زمان^(عج) و عاقبت به خیری خانواده اش ختم شده است؛ خانواده ای که یک بار با او در این سفر همراه شده اند و او از فاصله دور، این خدمت را به نیت زیارت دوباره با آن ها انجام می دهد.



● برای روز قیامت

غلامرضا ابراهیمی، دیگر پاکبان منطقه ۳، این روزها در نجف اشرف مشغول خدمات رسانی به زائران است. او در پاسخ به این پرسش که نظافت نجف با مشهد چه تفاوتی دارد، لحظه ای درنگ می کند و با نگاهی به اطرافش می گوید: خدمت به زائران امام رضا^(ع) بزرگ ترین افتخار زندگی من است، اما اینجا نجف است؛ حال و هوایش فرق دارد. اینجا انگار داری برای عشق به ائمه^(ع) جارو می زنی. جارو کشی خیابان های مشهد شغل من است و بابتش حقوق می گیرم، اما اینجا همه اش عشق است. این کار برای من فراتر از یک مأموریت اداری است و عاقبتش را باید در جای دیگری جست و جو کرد، روز قیامت و صحرای محشر.

آقا غلامرضا بار دوم است که به عنوان عضوی از کاروان خدام الحسین^(ع) راهی نجف می شود. او درباره برخورد مردم و موکب داران با آن ها می گوید: زائرها وقتی از کنار پاکبان ها رد می شوند گاهی مکث می کنند و خسته نباشیدی می گویند. بعضی ها دست تکان می دهند و بعضی دیگر با همان لهجه و زبان خودشان تشکر می کنند. مغازه دارها هم بی تفاوت از کنار ما نمی گذرند. یک بطری آب تعارف می کنند یا چیزی برای خوردن می آورند. انگار لباس پاکبانی در اینجا فقط یک لباس کار نیست؛ نشانه ای است که مردم را به سلام و تشکر وادار می کند.

به گفته آقا غلامرضا حالا که چند روزی از کار در نجف می گذرد، نشانی دهی هم به کارهایی که انجام می دهند اضافه شده است؛ «مثلا روزی صدمبار می گوییم حرم آن طرف است!»



● آرزوی جارو زدن پیش پای زائران

شلوغی بی حد و مرز در شارع امام علی^(ع) همه چیز را تحت تأثیر قرار داده است. در میان صف های طولانی موکب ها، جایی که بوی چای و ادویه با نوای مداحی ها در هم آمیخته، فعالیت پاکبانان حکم



شیران اصلی را دارد و برای راحتی زائران از نان شب هم واجب تر است. رضا قدیمی، یکی از این خادمان، نمونه ای از این تلاش بی وقفه است. او که بیش از پانزده سال در شهرداری مشهد فعالیت داشته، برای نخستین بار در مأموریت اربعین، با هدف خدمت به زائران ابا عبا...^(ع) به شهر نجف اعزام شده است. قدیمی می گوید گرما و سختی کار برای او اولویت نیست، بلکه هدف اصلی، تحقق آرزوی قدیمی اش یعنی جارو زدن مسیر زائران حرم امیرالمؤمنین^(ع) است؛ آرزویی که حالا در میان گرمای طاقت فرسای ۵۰ درجه عراق، به واقعیت بدل شده است.

او ادامه می دهد: از همان سال اولی که کاروان پاکبانان مشهد عازم کربلا می شد، من هم داوطلب بودم. بعضی وقت ها قسمت نمی شد و گاهی هم کار پیش می آمد. یک بار بتایی، بار دیگر تولد بچه و....

آقا رضا از مهمان نوازی عراقی ها در ایام اربعین شگفت زده شده است. می گوید: در این روزها مردم عراق داشته ها و نداشته هایشان را وسط گذاشتند تا از مهمانان ابا عبا...^(ع) پذیرایی کنند. محل خدمت من، ابتدای مسیر پیاده روی در جاده کربلاست. موکب داران واقعا دور مردم می گردند و گاهی به زور از آن ها پذیرایی می کنند. برخورد زائران عراقی و سایر ملیت ها با این گروه پاکبان ایرانی، شنیدنی است. رضا با خنده می گوید: وقتی پشت لباسمان شعار «مشهد برای حسین^(ع)» را می بینند، نگاهشان تغییر می کند. حتی اگر ناخواسته دسته جارو به پای کسی بخورد، به جای گلایه، لبخند می زنند، «خدا قوت» می گویند و التماس دعا دارند.

